

یادداشت وارده:

نگذارید حقوق کارگران ضایع شود!

رسیدگی به کارگرانی که دستان قدرتمندشان چرخ اقتصاد را می چرخاند از ضروریات جامعه برای پیشرفت و توسعه است؛ موضوعی که بعضی مواقع در کشور ما نادیده گرفته می شود و بعضی از کارگران با وضعیت اسفناکی در محیط کار و زندگی روبه رو هستند. یادداشت پیش رو نگاهی دارد به وضعیت کارگران و عدم رسیدگی مناسب شرکت‌های پیمانکاری به آنان.

به گزارش سایت خبری پرسون، شفیعی می‌نویسد:

در بخش اول اشاره داشتم و تأکید کردم که شرکت‌های پیمانکاری که نقش واسطه بین نیروی کار و کارفرما را ایفا می‌کنند، جز تضییع حقوق کارگران و سرازیر کردن پول مفت به حساب خودشان هیچ دستاورد دیگری ندارند.

ای کاش حداقل بر اساس دستورالعمل و قوانین این شرکت‌ها عمل می‌شد و حقوق کارگران پرداخت می‌شد. تجربه‌های فراوان نشان می‌دهد که شرکت‌های پیمانکاری به حق قانونی خود که در قرارداد با کارفرما تعیین می‌شود، قانع نیستند و با انواع ترفندها حق بیش‌تری از کارگران تحت پوشش خود به جیب می‌زنند. رفتاری کاملاً ظالمانه که نشانی از حاکمیت نظام سرمایه‌داری است و در جمهوری اسلامی به شکل قانونی اجرا می‌شود. نمونه‌های این ستم مضاعف را این جانب به عنوان تجربه از نزدیک در پارس جنوبی دیده‌ام که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنم. در سال ۱۳۹۰ با توجه به مسئولیتی که در استانداری داشتم، دبیر کمیسیون کارگری استان نیز بودم. یکی از مأموریت‌های این کمیسیون رسیدگی به مشکلات کارگران بود. گزارش‌های متعددی از وضعیت رقت‌بار کارگران در پارس جنوبی در عسلویه به دبیرخانه می‌رسید. برای بررسی دقیق‌تر تصمیم گرفتم بازدیدی از وضعیت کاری و رفاهی کارگران مستقر در فازهای متعدد پارس جنوبی داشته باشم.

به بسیاری از کمپ‌ها سر زدم، از نزدیک با کارگران و مسئولان بخش‌ها صحبت کردم. متوجه فاجعه‌ای شدم که شباهتی زیاد با نظام برده‌داری داشت. به بخشی از این گزارش توجه کنید:

یکی از مشکلات اساسی در پارس جنوبی بحث حوزه کارگری است که البته به چند بخش تقسیم می‌شوند. یک دسته کارگرانی هستند که خود به منطقه آمده یا پیمانکاران آنان را از استان‌های دیگر دعوت به کار کرده‌اند. این گروه در کمپ‌هایی به صورت دسته‌جمعی زندگی می‌کنند بزرگ‌ترین این کمپ‌ها به کمپ کرمانشاهان مشهور است. در بازدیدی که به اتفاق نمایندگان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت کشور از این کمپ داشتیم؛ علی‌رغم کمبود فرصت برای بازدید کامل از کمپ، متوجه عمق فاجعه‌ای شدیم که در این کمپ به وقوع پیوسته است. باورمان نمی‌شد که در دل یک سازمان قدرتمند اقتصادی این‌گونه انسان‌ها به استضعاف کشانده شده باشند و این‌گونه فقر و محرومیت و مشکلات عدیده اخلاقی و رفتاری وجود داشته باشد. در این کمپ‌ها کارگران غیرماهر تا سطح نیمه‌ماهر زندگی می‌کنند و حداکثر در هر اتاق معمولاً بین ۱۰ تا ۱۲ نفر سکونت دارند که به تناسب زمان‌های مختلف تغییر می‌کند.

وضعیت سرویس‌های بهداشتی؛ امکانات تفریحی و کلیه خدمات ضروری در این کمپ‌ها فوق‌العاده ضعیف است. بیش‌تر سرویس‌های بهداشتی تخریب و مسدود شده‌اند؛ حمام‌ها فوق‌العاده غیربهداشتی هستند. آبخوری و محل شستن ظرف‌ها نیمه‌مخروبه هستند. مایع دستشویی برای سرویس‌های بهداشتی وجود ندارد. اثاثیه و وسایل کارگران در کف اتاق ریخته و فضای بسیار مشمئزکننده‌ای وجود دارد. کارگران دچار انواع آسیب‌های روحی هستند. برخی از آن‌ها می‌گفتند ماه‌هاست که حقوق نگرفته‌اند و خجالت می‌کشند برای دیدار خانواده بروند با خیلی از آن‌ها متأهل بودند. بسیاری از این کارگران از استان‌های دور دست آمده بودند.

بعد از غروب که ما از این کمپ بازدید کردیم؛ محوطه کمپ در تاریکی مطلق بود و پیاده‌روهای بین اتاق‌ها همه خاکی بود؛ و هیچ چراغی روشن نبود.

وضعیت بهداشتی بسیار بد بود همگی از حشره‌ای به نام «ساس» می‌نالیدند که گاه تا صبح آن‌ها را نیش می‌زند و نمی‌گذارد به درستی استراحت کنند. آثار نیش این حشره روی بدن خیلی از کارگران بود. سیستم خنک‌کننده اتاق‌ها کاملاً فرسوده و از رده خارج بود. در اتاق‌ها جز یک موکت و تعدادی پتوی کهنه و فرسوده چیز دیگری در اختیار کارگران قرار نداده بودند.

یکی از کارکنان، کارتنی را به ما نشان دادند که تعدادی ظروف کوچک یک بار مصرف در آن بود و محتوای آن مقداری لوبیا چیتی به عنوان شام کارگران بود. مسئول توزیع شام گفت: اینکه همراه این وعده غذایی، پیاز هم گذاشته‌اند، به خاطر این بوده که می‌دانستند، امشب هیئتی از این کمپ بازدید می‌کند. می‌گفت: وضعیت غذایی ما بسیار نامناسب است و پیمانکاران اصلاً به تعهدات خود عمل نمی‌کنند. فرسودگی کمپ به شکلی است که به هیچ‌وجه با حداقل استانداردهای یک منطقه مسکونی مطابقت نمی‌کند. این در حالی است که در قراردادی که پیمانکاران با پارس جنوبی امضا می‌کنند، قید شده که پیمانکاران موظف‌اند تمامی خدمات را به شکل مطلوب به کارگران ارائه دهند. با این وصف پیمانکاران طبق قراردادهای، هزینه خدمات کامل را از پارس جنوبی می‌گیرند. ولی حداقل خدمات را به کارگران ارائه می‌دهند و از این جهت پیمانکاران سود سرشاری را به جیب می‌زنند. هر روز صبح کارگران با اتوبوس‌هایی که به واقع اسقاطی محسوب می‌شوند، به محل کار منتقل می‌شوند.

این اتوبوس‌ها هیچ استاندارد ایمنی یا وسایل رفاهی یک اتوبوس معمولی را ندارند. به گفته یکی از مسئولان کمپ، هر اتوبوسی که در کشور از رده خارج می‌شود، برای حمل‌ونقل کارگران راهی این منطقه می‌شود. اگر بیننده‌ای برای نخستین بار صف این اتوبوس‌ها را در جلوی کمپ کرمانشاهان و

بقیه پارکینگ‌ها مشاهده کند، احساس می‌کند، به گورستان اتوبوس‌های قراضه در عسلویه پا نهاده است. یکی از کارکنان که زاهدانی بود می‌گفت: سالی یک‌بار به دیدار خانواده می‌روم. برخی از زاهدانی‌ها حتی شناسنامه نیز نداشتند. کارگران افغانستانی نیز آنجا اشتغال دارند. به گفته کارگران، اکثر آن‌ها بیمه نیستند و آن‌هایی که بیمه هستند، کف بیمه را برایشان در نظر گرفته‌اند.

در اتاق یکی از کارگران جعبه‌ای حاوی تعدادی قوطی آب میوه و شیر پاستوریزه دیدم. پرسیدم چرا اینها را در این جعبه گذاشته‌اید؟ گفت: اینها را که گاهی همراه غذا با ما می‌دهند خودم نمی‌خورم و جمع می‌کنم تا هر وقت به دیدن فرزندانم رفتم برای آن‌ها به عنوان هدیه ببرم. همه این ظلم‌های مضاعف برای این بود که این کارگران تحت پوشش شرکت‌های پیمانکاری بودند.

مسئله فاجعه بار از اینجا آغاز می‌شود که این شرکت‌ها پس از برنده شدن در مناقصه، با گرفتن مبلغی این امتیاز را به شرکت دیگری واگذار می‌کنند. گاه این واگذاری به سه شرکت نیز می‌رسد. شرکت‌های بعدی باید به گونه‌ای هزینه کنند که هم بتوانند از عهده تعهدات برپایند و هم جبران مبالغی را که به عنوان حق واگذاری پرداخته‌اند کنند. بدون تردید این شرکت‌ها که با چند واسطه مجری شده‌اند اگر بخواهند خدمات استاندارد بر اساس قرارداد اولیه با وزارت نفت ارائه دهند مسلماً نفعی برایشان نخواهد داشت و حتی ضرر نیز می‌کنند. از این رو هر چه می‌توانند از ارائه خدمات به کارگران نگویند بخت می‌کاهند.

از غذای آن‌ها می‌زنند. از وسیله نقلیه، محل استراحت، بیمه، حقوق کافی، پاداش و اضافه‌کاری و بسیاری از خدمات دیگر می‌کاهند تا بتوانند سود لازم را برای خود کسب کنند.

ناگفته نماند آن طور که شنیدم چند ماه بعد از انتشار این گزارش، تغییراتی در وضعیت کمپ کرمانشاهان ایجاد شد و گویا سرانجام تعطیل شد؛ ولی داستان ستم به کارگران از طریق شرکت‌های پیمانکاری همچنان ادامه دارد.

آنچه در این گزارش خواندید معلول چنین روابط ظالمانه‌ای است بین شرکت‌های پیمانکاری و کارگران. تنها راه پایان دادن به این شرایط رقت بار و این شیوه غیرعادلانه، خلع ید از شرکت‌های پیمانکاری و حذف قانونی آن‌ها از قوانین وزارت کار است. شواهد نشان می‌دهد دست‌های پشت پرده‌ای که منافع سرشاری به جیب می‌زنند نمی‌گذارد چنین اتفاقی بیفتد.

تا آنجا که به یاد دارم در دولت‌های نهم و دهم خیلی تلاش شد که این شرکت‌های واسطه‌ای حذف شوند ولی نمی‌دانم چه قدرت پشت پرده‌ای بود که نگذاشت این اتفاق بیفتد. حذف این شرکت‌های ظالمانه حداقل انتظاری است که از دولت رئیسی می‌رود.

نویسنده: نصرالله شفیعی

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.